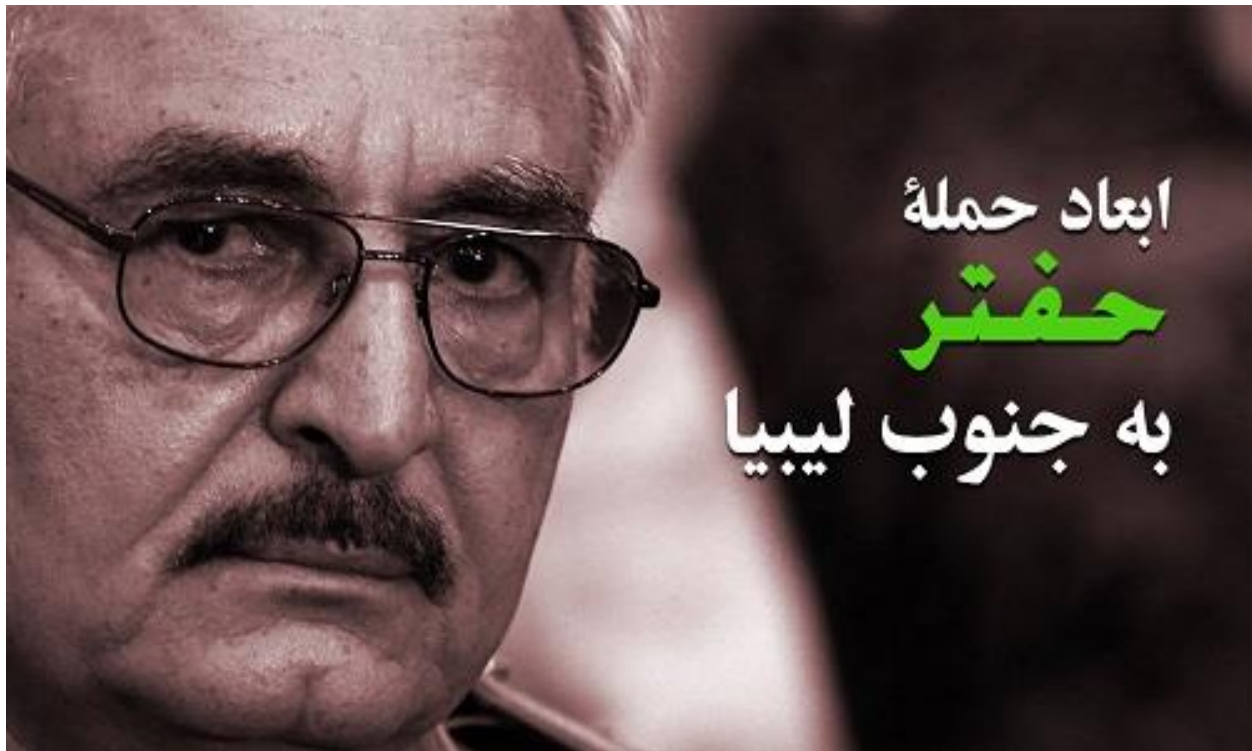


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
ابعاد حمله حفتر به جنوب لیبیا



(ترجمه)

پرسش

چرا خلیفه حفتر، که مزدور امریکا در لیبیا است، نیروهایش را در جنوب وسیع لیبیا متفرق نموده و تمام تلاش خویش را بالای غرب لیبیا، که وابسته به اروپاست متمرکز نمی‌کند تا به این ترتیب تمام خاک این سرزمین را به نفع خود یک طرفه کند؛ زیرا نفوذ واقعی و وزنه اصلی در شمال، به شمول شمال غرب و شمال شرق است و نه در جنوب؟ یا این‌که حفتر از حمله به جنوب، اهداف دیگری را دنبال می‌کند؟

پاسخ

برای روشن شدن موضوع به بررسی امور زیر می‌پردازیم:

اول) حفتر، مزدور امریکا، با تسلطش بالای شهر بنغازی در حقیقت بالای سراسر شرق لیبیا تسلط پیدا نمود و با یک طرفه نمودن کشمکش در شهر درنه در نیمه سال 2018م به نفع خودش، تسلط خویش را بالای شرق لیبیا کاملاً استحکام بخشید. پس از آن‌که جنگ‌ها به منطقه کمر بند نفتی کشانیده شد، کشمکش‌ها در لیبیا میان مزدوران امریکا به رهبری حفتر و مزدوران اروپا به رهبری سراج در طرابلس شدت بیشتری گرفت. حفتر با گسترانیدن تسلط خویش بالای کمر بند نفتی، پله نظامی‌اش را نسبت به حکومت سراج سنگین‌تر نمود. اما امکانات نظامی را که حفتر از سیسی، مزدور دیگر امریکا در مصر به دست می‌آورد، در حدی نیست که به او امکان دهد تا غرب لیبیا را به صورت کامل به تصرف خود در آورد؛ زیرا در غرب به علاوه نزدیکی آن با الجزائر، که وابسته به اروپائیان است، مستقیماً با دولت‌های اربانی طرف است. ترس حفتر از الجزائر و مداخله آن پوشیده نیست، بلکه به صراحت از آن یاد نمود: «ظاهر سیاله وزیر خارجه لیبیا روز دوشنبه در سخنانی از اظهارات خلیفه حفتر اظهار بی‌اطلاعی نموده و آن را غیرمسئولانه خواند. حفتر هشدار داده بود که دامنه جنگ لیبیا را در ظرف چند لحظه به داخل خاک الجزائر می‌کشاند. حفتر قبلاً اعلان نموده بود که الجزائر از اوضاع امنیتی لیبیا سوءاستفاده می‌کند و این‌که شماری از سربازان الجزائری با عبور از مرز، وارد خاک لیبیا شده اند». (منبع: فرانس 24، 10 سپتامبر 2018م)

دوم) این‌که مصر به رهبری سیسی و به دستور امریکا از حفتر حمایت نموده و این حمایت به او قدرت داده تا شرق لیبیا و منطقه کمر بند نفتی را زیر تسلط خود در آورد؛ یک طرف واقعیت موجود در لیبیا است و واقعیت دیگر اینست که حکومت

سراج به دلیل نزدیکی جغرافیایی با آن، از حکومت وی حمایت می‌کنند و همچنین اروپا در پس این حکومت قرار دارد. این دو واقعیت به مثابه ترازویی است که هر دو پله آن تقریباً با هم مساوی است؛ هر چند پله نظامی حفتر به دلیل حمایت بزرگ امریکا از وی سنگین‌تر است؛ زیرا امریکا در پی آنست تا موقف حفتر را با اقدامات نظامی استحکام بخشیده و وی را غالب کند؛ سپس دروازه مذاکرات را بگشاید. اما پله سیاسی، هنوز هم به نفع حکومت سراج سنگینی می‌کند؛ زیرا نفوذ اروپا، تسلط وی بالای طرابلس پایتخت و سنگینی کدرهای سیاسی وابسته به اروپا را ضمانت نموده. به همین دلیل است که حفتر نمی‌تواند به جانب پایتخت پیشروی نماید و نه هم می‌تواند وارد مذاکرات جدی با حکومت سراج شود. در نتیجه هر دو طرف با سنگینی که دارند، سر جای خود باقی مانده اند و دو جانب مساوی به نظر می‌رسند. این دو تنگنا باعث شده هر دو طرف کشمکش در لیبیا در وضعیت جمود به سر ببرند و هیچ طرفی نتواند اوضاع را به نفع خود یک طرفه نماید.

بنابر این، کشاندن دامنه جنگ‌ها به جنوب یمن برای حفتر نوعی خروج از این تنگناها تلقی می‌گردد تا بتواند از طریق آن دامنه تسلط نظامی خویش را گسترش داده و به این ترتیب راحل با تأثیرگذاری قوی‌تر امریکا نسبت به اروپا مطرح گردد که چنین هم شد؛ چنانچه «سخنگوی اردوی ملی لیبیا اعلان نمود که نیروهای خلیفه حفتر روز چهارشنبه عملیات گسترده نظامی را در جنوب این کشور به هدف "پاکسازی آن" از گروه‌های مسلح، به شمول افراد گروه افراسی داعش و جریان‌های جنایتکار راه‌اندازی نمودند.» (منبع: فرانس 24. 17 جنوری 2019م) پس امریکا سعی دارد، به بهانه جنگ با "تروریستان و گروه‌های جنایتکار"، مزدورش حفتر را به جانب جنوب لیبیا جهت داده و به اهداف زیاد داخلی و منطقه‌ای دست یابد که منجر به استحکام نفوذ امریکا و از هم‌پاشی نفوذ دولت‌های اروپایی خواهد شد.

سوم) با دقت بیشتر در خواهیم یافت که حمله حفتر به جنوب لیبیا، دو هدف را در قضیه بحران داخلی لیبیا برای وی و نفوذ امریکا به ارمغان آورد و در عین حال، دو هدف دیگر را برای امریکا علیه اروپا و نفوذ آن در افریقا محقق نمود. جزئیات این ادعا قرار ذیل است:

1. دو هدف مربوط به کشمکش‌ها در داخل لیبیا از این قرار است:

الف) تسلط بالای مناطق بیشتر؛ زیرا اگر حفتر بتواند تسلط نظامی‌اش را بالای مناطق وسیع جنوب لیبیا پهن کند، این مسئله باعث خواهد شد که او در مذاکرات نیز پله سنگین‌تری داشته باشد؛ زیرا به علاوه اهمیت نظامی داخلی، که با تسلط بالای شهرهایی مانند شهر "سبها" و سایر شهرهای جنوب به دست می‌آورد، این امر به او، به صفت کسی که بیشترین بخش‌های خاک لیبیا را در اختیار دارد، "رنگ قانونی" بیشتری نیز می‌دهد. این واقعیت بالای راحل‌های سیاسی نیز تأثیرگذار خواهد بود؛ هر چند نزدیک شدن وی به مرزهای الجزایر برای وی خطرناک است؛ اما ممکن است وی سعی کند، اینک که الجزایر سرگرم انتخابات ریاست جمهوری است، نفوذش را در جنوب استحکام بخشد.

ب) تسلط یافتن بر اقتصاد لیبیا؛ طوری که حفتر پس از چند بار تعقیب و گریز، سرانجام توانست تسلطش را در نیمه سال 2018م بالای کمر بند نفتی مستحکم نماید و عائدات آن را به جای طرابلس به بخش سازمان ملی نفت در بنغازی منتقل کند. به این ترتیب، حکومت سراج از یک طرف از نفت منطقه کمر بند نفتی محروم گردید و از طرف دیگر حفتر خود را برای صدور آن به نفع خود آماده می‌شود تا رفته رفته جنگ به بنادر نفت کشانیده شد؛ یعنی به هدف منع نمودن حفتر از صدور نفت. چنانچه افراد مسلح حصران بالای دو بندر سدره و رأس لانوف تسلط یافتند و حکومت سراج در طرابلس "حصران" را امر قانونی حراست از پایگاه‌های نفتی می‌شمرد؛ اما این وضعیت برای حکومت سراج پایدار نماند. «سپس زدوخوردهای شدیدی با نیروهای اردوی لیبیا صورت گرفت و بعد از آن و مشخصاً به تاریخ 21 جون سال جاری بود که رهبری سراسری نیروهای مسلح لیبیا اعلان نمود که منطقه رأس لانوف و سدره را به صورت کامل به تصرف خود در آورده.» (منبع: اسپوتنیک روسیه 7 جولای 2018م)

پس حفتر کمر بند نفتی را، به شمول بنادر صادراتی به تصرف خود در آورد و از همان تاریخ تا کنون حکومت وفاق ملی به ریاست سراج پیوسته تا کنون تلاش دارد دولت‌های وارد کننده نفت را از وارد نمودن نفت منطقه کمر بند نفتی، که در تصرف نیروهای حفتر قرار دارد، منع نماید. به همین دلیل است که میزان انرژی صادراتی لیبیا به گونه چشمگیری کاهش یافته و حکومت سراج شروع به صادر نمودن نفت استخراج شده از صحرای مرزوق نموده، مخصوصاً نفتی که از چاه "شراره" به مقدار 300 هزار بشکه در روز استخراج می‌گردد و چاه "فیل" به مقدار 125 هزار بشکه در روز. با انتقال یافتن جنگ‌هایی که زیاد داغ نیست به جنوب و با تسلط یافتن نیروهای حفتر بالای پایگاه نفتی "شراره"، که در نزدیکی شهر سبها موقعیت دارد، «سخنگوی نیروهای شرق لیبیا در تویتش چنین گفت: نیروهای مسلح توانسته پایگاه شراره را به صورت کامل و بدون

هیچ‌گونه درگیری به تصرف خود در آورد و در حال حاضر همراه با اداره این پایگاه سرگرم تأمین امنیت آن می‌باشد.» (منبع: روز هفتم 11 فروری 2019م) این به معنی تقویت یافتن نفوذ اقتصادی حفتر است.

این پایگاه بزرگ نفتی، که می‌تواند تا 400 هزار بشکه در روز تولید داشته باشد و مال یکی از شرکت‌های هسپانیایی است، محل کشمکش بزرگی میان حفتر، مزدور امریکا و مزدوران اروپا در طرابلس است. اینک با این تغییری که پیش آمده، یعنی با تسلط حفتر بالای این پایگاه، که به او فرصت می‌دهد به ساده‌گی بالای سایر پایگاه‌های نفتی پس از آن تا آخرین نقطه جنوب، مخصوصاً پایگاه "فیل" تسلط پیدا کند، با این تغییر، حکومت سراج شریان اقتصادی خود را از دست داده و تنها به چتر بین‌المللی متکی است که اروپا از آن برای منع صدور نفت توسط حفتر و وادار نمودن وی به صدور نفت از طریق سازمان‌های نفتی طرابلس استفاده می‌کند. اما با وجود همه، واقعیت این است که حفتر بالای منابع نفتی تسلط دارد و مسئله صدور نفت از طریق بنادر و خطوط نفتی را که بالای آن تسلط ندارد، به مذاکرات و اگذار می‌شود تا بتواند اهداف مالی خویش را از آن طریق برآورده کند و پول‌های فراوانی را وارد شریان نیروهای نظامی خود نماید.

2. اما دو هدفی که علیه اروپا و نفوذ آن در افریقا دارد، از این قرار است:

الف) سیل مهاجرت از افریقا را به اروپا به عنوان یک دردرس برای اروپا نگه‌می‌دارد. این هدفی است که امریکا از آن علیه اروپا استفاده می‌کند و نمی‌گذارد اروپا به بهانه متوقف نمودن سیل مهاجرت از افریقا به اروپا، اقدام به ساختن پایگاه‌های نظامی نماید. تسلط حفتر مزدور امریکا بالای زیرساخت‌های نظامی در عمق خاک لیبیا، که اکثر آن میدان‌های هوایی نظامی است، دولت‌های اروپایی را از استفاده از آن؛ چه به هدف گسترش نفوذ خویش و چه به اهداف منطقه‌ای در افریقا، منع می‌کند؛ زیرا دولت‌های اروپایی قصد دارند به بهانه ممانعت از مهاجرت افریقائیان به اروپا، برای خود جای پای در این زیرساخت‌های نظامی پیدا کنند؛ چیزی که امریکا و مزدور آن حفتر با آن مخالفت دارد.

«خلیفه حفتر، جنرال باز نشسته لیبیا هشدار داد که طرف‌های بین‌المللی سعی دارند در برخی مناطق جنوب لیبیا برای خود زیرساخت‌های نظامی بسازند. حفتر گفت: در عین حالی که رهبری کل اصرار دارد روابط گرم و مشارکت‌های استراتژیک و متوازن با تمام طرف‌های بین‌المللی داشته باشد، معلوماتی به ما می‌رسد که نشان می‌دهد شماری از طرف‌های بین‌المللی تمایل دارند در جنوب خاک لیبیا برای خود زیرساخت‌های حضور نظامی بسازند. برخی منابع اطلاعاتی لیبیا گفته اند که دیروز پنجشنبه یک هیئت امنیتی و نظامی ایتالیایی از شهر "غات" در آخرین نقطه جنوب غربی لیبیا دیدار نموده و قصد دارند با تمویل اروپا نقطه ارتکاز نظامی و مدنی ایتالیایی در آن بسازند تا با استفاده از آن تحرکات برای مهاجرت‌های غیرقانونی را محدود نمایند.» (منبع: الجزیره نت 29 جون 2018م)

اینک با تسلط حفتر به مناطق مهمی در جنوب، اروپایی‌ها از تمرکز در جنوب و ساخت پایگاه‌های نظامی در آن محروم می‌شوند. «اتاق عملیات نیروهای هوایی وابسته به رهبری کل اردوی لیبیا با انتشار اعلامیه‌ای هشدار داد که هیچ طیاره‌ای اجازه ندارد بدون موافقت آن از میدان‌های هوایی جنوب پرواز و یا در آن نشست نماید و تأکید نمود، در صورتی که هرگونه پروازی بدون موافقت رهبری اردوی لیبیا در منطقه جنوب مشاهده شود، وادار به نشست خواهد شد.» (منبع: روز هفتم 8 فروری 2019م) به این ترتیب، امریکا و با تحریک نمودن حفتر به سمت جنوب، تحرکات اروپائیان را در جنوب مقید و محدود نمود و بحران مهاجرت افریقائیان را به مثابه دردرسی آزار دهنده برای اروپا نگهداشت.

ب) زمینه‌سازی علیه نفوذ اروپا در منطقه صحرا؛ طوری که اهداف حمله حفتر در جنوب لیبیا به اهداف فوق الذکر خلاصه نمی‌شود؛ بلکه امریکا در حال طراحی یا حتی فعالیت مستقیم برای برآوردن هدف منطقه‌ای است و آن هدف؛ مختل نمودن نفوذ فرانسه در منطقه صحرا می‌باشد. ضعف حکومت مرکزی در طرابلس باعث شده در جنوب لیبیا نوعی خلع قدرت به میان آید و این خلع قدرت باعث شده جنوب تبدیل به محیط مناسبی برای فعالیت مسلحانه گروه‌های مخالف افریقائی شود. گروه‌های مخالف چاد، نایجر و سودان در این منطقه رشد کرده و بزرگ شدند؛ بلکه حتی تبدیل به عنصر مهم و تأثیرگذاری در معادلات داخلی لیبیا شده اند که نمی‌شود آن را دست کم گرفت؛ چنانچه «روزنامه "وحدت" چاد که به زبان فرانسوی منتشر می‌شود، نوشت که در حال حاضر حدود 11 هزار تن از افراد مخالف حکومت چاد در جنوب لیبیا منتشر می‌باشند.» (منبع: بوابه الوسط 4 اپریل 2018م)

امریکا مداخله‌هایش را به بهانه "تروریسم" توجیه نموده و به مزدورانش اشاره می‌کند که برای مهار نمودن آنان وارد عمل شده و به این ترتیب امریکا علناً در لیبیا مداخله می‌کند. «یکی از مسئولین لیبیا در اظهاراتی گفت: نیروهای امریکا و لیبیا حملات هوایی مشترکی را در اطراف شهر اوباری بالای موقعیتی انجام دادند که در آن شماری از طرفداران گروه القاعده

متمرکز می‌باشند.» (منبع: یورو نیوز عربی 14 جنوری 2019م) حفتر نیز عیناً از همین بهانه "تروریسمی" استفاده می‌کند که امریکا "برای پاکسازی منطقه از وجود گروه‌های مسلح تروریستی" سر می‌دهد.

گروه‌های نظامی، که در جنوب لیبیا دارای وزن می‌باشند، جریان‌های چادی استند. «اردوی ملی لیبیا به رهبری خلیفه حفتر در ماه جنوری گذشته عملیات نظامی را در جنوب غربی این کشور بالای گروه‌هایی مسلحی راه‌اندازی نمود که بیشتر آنان وابسته به مخالفان چاد می‌باشند.» (منبع: آر تی 12 فیوری 2019م) "اردوی ملی لیبیا" که حفتر از آن را نام‌گذاری نموده، در بیانیه خشمناکی چنین اعلان نمود: «جنگنده‌های سلاح هوایی عربی لیبیا سه تجمع ملیشه‌های چاد و همپیمانان آن را در جنوب کشور عزیز مان در هم کوبیدند.» (منبع: عربیه نت 8 فیوری 2019م)

ج) بنابر این، کاملاً روشن است که هدف از حمله حفتر به جنوب لیبیا این است که گروه‌های مذکور را به گونه منسجم از جنوب لیبیا فراری دهد، یعنی آنان را به بیرون از لیبیا سوق دهد تا مسئولیت دیگری را در چاد به پیش ببرند و آن این‌که نفوذ فرانسه را در آن‌جا به چالش بکشند و این چیزی است که فوراً و بدون تأخیر اتفاق افتاد؛ چنانچه: «جان ایف لودریان وزیر خارجه فرانسه روز سه شنبه در اظهاراتی گفت که نیروهای فرانسه یک قافله از افراد متمرّد و جنگجو را برای جلوگیری از انقلاب علیه ادریس دبیبی رئیس جمهور هدف قرار داده است. چند فروند طیاره جنگی فرانسه به درخواست دبیبی یک قافله تا دندان مسلح از متمرّدین را که هدف گذشته از لیبیا وارد خاک چاد می‌شدند، هدف قرار داد. لودریان خطاب به اعضای پارلمان چنین گفت: یک گروه از متمرّدین که از جنوب لیبیا آمده بودند، قصد داشتند با زور وارد نجامینا شده و بالای آن تسلط پیدا کنند. رئیس جمهور کتباً از ما خواست تا برای جلوگیری از وقوع انقلاب و حمایت از کشورش مداخله نماییم.» (منبع: رویترز 12 فیوری 2019م) از آن جایی‌که خطری را که حفتر، مزدور امریکا به جانب چاد سوق می‌دهد، واقعی و محسوس است، فرانسه نیروهای زیادی را برای دفاع از ادریس دبیبی، مزدور خویش در پایتخت چاد منتشر نموده: «فرانسه 4500 سرباز را در چهارچوب عملیاتی موسوم به "نیروی برخان برای مبارزه باترورزم" در شهر نجامینا پایتخت چاد منتشر نموده.» (منبع: رویترز 12 فیوری 2019م)

د) از موارد فوق چنین بر می‌آید که اگرچه امریکا در بحران لیبیا دست بالا ندارد و مزدورش، حفتر توان یک طرفه نمودن اوضاع در غرب لیبیا را به نفع خود ندارد؛ زیرا اروپا از حکومت سراج پشتیبانی می‌کند. اما اینک امریکا تصمیم گرفته نفوذ فرانسه را در چاد مختل نماید. ممکن است پیش‌روی‌های مخالفین ادریس دبیبی در داخل خاک چاد، که از جنوب لیبیا آمده اند، مقدمه‌ای به حوادث بزرگ‌تر از آن باشد؛ یعنی ممکن است جنگ‌های سختی در چاد بالاگیرد و شاید دامنه آن تا نایجر نیز کشانیده شود و در آن‌جا نفوذ فرانسه و تسلط شرکت‌های فرانسوی را بالای معادن، مخصوص معادن یورانیوم آن منطقه، مختل نماید.

چهارم) خلاصه این‌که ممکن است حفتر با کمک‌های زیاد نظامی، که امریکا و به ویژه از طریق مصر برایش فراهم می‌کند، ممکن است بتواند لیبیا را به دو بخش تقسیم کند. بخش شرقی را به صورت کامل در اختیار گرفته و کمر بند نفتی را، که شاه‌رگ اقتصاد لیبیا به شمار می‌رود نیز به تصرف خود در آورده و در بخش غربی نیز تا حدودی رخنه نموده و اینک به جانب جنوب روی آورده تا تسلط نظامی و اقتصادی‌اش را در آن گسترش دهد.

از آن جایی‌که امریکا به دلیل ترسی که از الجزائر و پشتیبانی بزرگ اروپا از حکومت سراج در غرب دارد، حفتر را برای برآوردن اهداف دیگری به جانب غرب لیبیا سوق می‌دهد و آن عبارت از اذیت نمودن دولت‌های اروپائی در مسئله مهاجرت و هجوم به نفوذ فرانسه در دولت‌های همجوار لیبیا از یک زاویه دیگری که در آغاز از چاد شروع نموده، می‌باشد.

این است ابعاد حمله حفتر به جنوب لیبیا و از آن چنین بر می‌آید که دولت‌های کفر سعی دارند برای تحقق منافع و نفوذ خویش در این سرزمین فساد را منتشر نمایند. تأسف‌آور این است که برای تحقق این اهداف خبیثانه، کسانی از مسلمانان به جان یک دیگر افتاده اند و هیچ توجهی به حرمت خون برداران خویش و هدر دادن سرمایه‌های نفتی سرزمین‌های خویش نمی‌کنند.

باید دانست که هیچ راهی برای جلوگیری از این مزدوران خودفروخته و دولت‌های کفری که در پس آنان قرار دارند، وجود نداد و هرگز نمی‌توان شری را که آنان در سرزمین‌های اسلام منتشر می‌نمایند، متوقف نمود؛ مگر این‌که مسلمانان با جدیت کامل و بدون هیچ‌گونه سستی به پا خیزند و شریعت الله سبحانه و تعالی را با اعلان برپایی خلافت خویش برپا دارند؛ خلافتی که اوضاع جهان را به حالت اصلی و واقعی آن بر خواهد گرداند و آرمان‌های دولت‌های کفر را در سرزمین‌های اسلامی به کابوس‌های وحشت‌ناک تبدیل خواهد نمود.

(إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ)

[انبیاء: 106]

ترجمه: در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت‌کنندگان!

15 جمادی الآخر 1440 هـ.ق

20 فبروری 2019 م